

## تحلیل روز

فرح پانددیت، کارشناس سیاسی مترجم، وصال روحانی

تمته اعتبار بایدن هم بر یاد رفت

## ذلت امریکا با طوفان الاقصی

نتیجه نهایی جنگ اخیر حماس و رژیم صهیونیستی هر چه باشد، در این نکته شکی نیست که حمایت بی‌قیدوشرط امریکا از اسرائیل در این ماجرا تمته اعتبار دولت جو بایدن را هم بر یاد داده و احساسات ضدامریکایی را در سطح جهان به‌طرز چشمگیری افزایش داده است. وقتی اسرائیل و لشکر پرمطراق سرویس‌های اطلاعاتی پر ادعای آن در روز نخست «طوفان الاقصی» طی حملات جانانه سازمان حماس غافلگیر و با آن وسعت زمینگیر شدند، اسرائیلی‌ها با حمایت گسترده امریکا دست به بمباران «کوره» و ششانه‌روزی نوار غزه زدند که تا به‌حال منجر به شهادت بیش از ۸ هزار و ۵ فلسطینی و مجروح شدن حدود ۲۰ هزار و ۲۴۲ نفر از آنها شده و همین مسأله وجود داشت بیش از ۵ هزار و ۵۰۰ زن و کودک در میان قربانیان آتش خشم جامعه جهانی را نسبت به کاخ سفید که انواع تسلیحات را در اختیار غاصبان صهیونیستی قرار داده، شعله‌ورتر ساخته است.

## نظahrاتی پایان‌ناپذیر در سطح اروپا

مشکل اصلی اسرائیل و عامل رسوایی‌ساز برای امریکا این است که هر دوی آنها در قبال درخواست‌های مکرر و انسانی و معقول جامعه جهانی درخصوص اعلام آتش‌بس فوری و رسیدن هر چه سریع‌تر محموله‌های کمک مردمی و سوخت به غزه و ساکنان تحت محاصره آن مقاومت کرده‌اند و امریکا نیز قطعنامه‌های پیشنهادی در این زمینه را در شورای امنیت وتو کرده است. این حرکت ضدانسانی نفرت ملل آزاده جهان را نسبت به دولت جو بایدن که هفته پیش سفری به سرزمین‌های اشغالی داشت، بیشتر کرده است و این روزها کمتر پایتخت اروپایی را می‌توانید ببابید که در آن نظاهرات مردمی در محکومیت اعمال ضدانسانی اسرائیل و امریکا برپا نباشد و معترضان به خیابان‌ها نیامده باشند. البته سران بعضی دولت‌های عربی منطقه مشغول صحبت با دو طرف مخاصمه هستند و می‌گویند هدفشان کاستن از تنش بزرگ فعلی و برقراری مقدمات آتش‌بس است. یکی از آنها شیخ محمد بن عبدالرحمان الثانی نخست‌وزیر قطر است که در روزهای اخیر بر سر امکان آزادسازی اسرای اسرائیلی سازمان حماس با سران این سازمان گفت‌وگو کرده است و دیگری عبدالفتاح السیسی رئیس جمهور مصر که گوشه‌به دولت جو بایدن را که همبیا با رژیم جعلی تل‌آویسو از وارد شدن کامیون‌های حاوی محموله‌های غذایی و سوخت به غزه جلوگیری می‌کند، متقاعد به پایان دادن به این حصر کند و به رسیدن این کمک‌ها به مردم نیازمند و مظلوم فلسطین مجاب سازد.

## حمایت نافرجام از رادیکال‌ترین دولت اسرائیل

۲۲ روز پس از شروع طوفان الاقصی کمتر نشانی از استمرار پروسه عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با بعضی دولت‌های عربی خاورمیانه که در دو سه سال اخیر برقرار شده بود، مشاهده می‌شود و جدیدترین دولتی که در این زمینه پا کشته شده، است که نه تنها حماس را بابت حملات تاریخ‌ساز خود به اسرائیلی‌ها سرزنش نکرده بلکه متذکر شده زمینه‌ها و مقدمات عادی‌سازی روابطش با رژیم اسرائیل به هیچ روی آماده نیست. حملات دهندمثانه نیروی هوایی اسرائیل به نوار غزه که از جمعه شب (۵ آبان) دوباره شدت گرفت، ایستک چنان انزجاربرانگیز شده که دولت‌های غربی یکی پس از دیگری حاکمان تل‌آویسو را محکوم کرده و امریکا را بابت حمایت آشکارش از این رژیم کودک‌کش شمات می‌کنند و اینچنین این روش به‌نظرمی‌رسد بازنده اصلی نبرد «حماسی» زمین‌دهای فلسطینی با ارتش جنایتکار اسرائیل، امریکا باشد که به شکلی نستجیده و افراطی دست به حمایت از بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر جنگ‌طلب اسرائیل و کابینه بر-آخرفال زد. کابینه‌ای که بی‌گمان رادیکال‌ترین دولتی است که طی ۵۰ سال اخیر در اسرائیل شکل گرفته است.

## چیزی همانند واقعه «۱۱ سپتامبر»

همه اتفاقات نشانگر این است که دولت امریکا فاقد صرافت و ذکاوت لازم برای ساماندهی طوفان فعلی در کرانه غربی و جنوب لبنان است و این تکرار همان عجزی است که قریب به یک ربع قرن پیش در تلاش امریکا برای کنترل تروریسم در پی واقعه «۱۱ سپتامبر» رویت شد. در آن زمان جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور وقت امریکا برای جبران ویرانی‌های عظیم حاصل آمده در نیویورک که محصول یک حمله تروریستی شوکه‌کننده به این شهر بود و بیش از ۱ هزار کشته و مجروح به‌جا گذاشت، نیروی زمینی و هوایی کشورش را با وسعت هرچه بیشتر عازم خاورمیانه و در عراق و افغانستان مستقر کرد. اما نتنها در جنگ‌های کماندویی با امثال القاعده و طالبان مغلوب شد و صدها کشته داد، هیچ اثری از تولید انبوه سلاح‌های کشتارجمعی هم که بوش وعده یافتن آن‌را در خاک عراق داده بود، نیافت و مضحکه جهانیان شد. این حضور ۲۰ ساله و بسیار کم‌اثر سازمانج در اواخر دولت دونالد ترامپ و طی زمامداری تقریباً سه ساله جوایدن برچیده شد و نظامیان شکست خورده و اسفرده امریکایی دست از پا درازتر از بغداد بازگشتند و صحنه گریز سراسیمه آنها از کابل در ماه آگوست ۲۰۲۱ و به مدد هلیکوپترهایی که سربازان از آن آویزان شده بودند، به یک رسوایی بزرگ برای دیپلماسی خارجی امریکا تبدیل شد.

## حرکت جهانیان در یک سمت و سوی صحیح

آن بازگشت شرم‌آور شاید جان آن نظامیان و دستیاران افغانی آنها را نجات داده باشد اما جو بایدن و دولت بی‌کفایت وی را بدینش از پیش از چشم جهانیان انداخت و اینک همان واقعه با اتخاذ سیاست یکسوزنگرانه تازه و نستجیده‌ای توسط امریکا در قبال طوفان الاقصی در حال تکرار شدن است و کاخ سفید از هرسو با تندباد انتقادات مواجه شده است. امریکا در گذشته بارها از القاعده انتقاد و تأکید کرده بود که عملیات این سازمان در زمینه تقابل با نیروهای غربی مستقر در عراق و افغانستان مصداق کامل تروریسم است و اینک نیز همان اتهامات را به حماس به‌خاطر شروع عملیات طوفان الاقصی وارد می‌کند ولی کناره‌گیری‌های بسیاری از کشورهای جهان در محکومیت عملیات انتقامجویانه نیروی هوایی اسرائیل در سطح نوار غزه و کشتن و آواره کردن خیل فلسطینی‌های شریف و مظلوم نشان می‌دهد، جهانیان سمت و سوی صحیح را یافته‌اند و معتقدند تهاجم بنیان‌افکن اخیر رژیم‌دهای فلسطینی به سرزمین‌های اشغالی نه یک اقدام تروریستی خودسرانه بلکه جوابگویی به سال‌ها تعدی اسرائیلی‌ها به حقوق مسلم ملت شریف فلسطین و روشن‌ترین تجلی آزادی‌خواهی آنها است.

## امریکا: نتهاارتاز همیشه

دولت جو بایدن اگرچه چشم بر این حقایق بسته و همچنان با تمام توان ارتش صهیونیستی را تجهیز تسلیحاتی و دولت تل‌آویو را پشتیبانی سیاسی می‌کند اما باید دید آیا زود به فکر ترمیم خرابی‌های عظیمی بیفتد که سیاست‌ورزی‌های غلط خودش در قبال رویاری سترگ حماس با جانان صهیونیست طی سه هفته گذشته برایش ایجاد کرده و پای دولت بایدن را در یک ورطه بزرگ بدنامی باز کرده است. کاخ سفید باید بپذیرد، کوبیدن هر‌آوای مردمی در سرزمین‌های اشغالی و همراهی با هر حرکت جنایتکارانه دولت تل‌آویو برایش هیچ عاقبتی جز سست شدن هر چه بیشتر جایگاهش در خاورمیانه ندارد و اگر می‌خواهد جای پای سابقش را بباید، باید باب گفت‌وگوهای تازه‌ای را با دولت‌های عرب منطقه بگشاید و پل‌های خراب شده بین دو سو را تا سرحد امکان ترمیم کند. برای تشکیلات جو بایدن این یک شکست بزرگ است که با وجود همه تلاش‌های فراوانش برای تروریست جلوه دادن حماس و رژیم‌دهای جنینش «جهاد اسلامی»، این دولت متجاوز اسرائیل است که در منظر اکثر جهانیان عامل اصلی فتنه‌های منطقه و بانی جنایت‌های بی‌شماری به حساب می‌آید که بسیاری از فلسطینی‌ها را در خون خود غلتانده و بشریت را به اسارت گرفته است. برای بیداری امریکا و نجات اسرائیل بسیار دیر است اما مادامی که کاخ سفید بپذیرد حمایت تام و تمام از اسرائیل فقط مهر تأیید زدن بر تروریسم دولتی است، هر روز بیشتر از روز قبیل در محکمه‌های مردمی در سطح جهان محکوم شده و بی‌اعتبارتر و نتهاارتز خواهد شد.

منبع: Council on Foreign Relations

## مبانی ایدئولوژی صهیونیسم در خصوص نسل‌کشی مردم فلسطین

## هیچ‌کس نباید زنده بماند، حتی نوزادان!



را در شهرها زنده نگذاشتند. پس از فتح اریحا، همه مردان، زنان، کودکان، پسران و حتی چهارپایانی چون گاوها و گوسفندها را از دم تیغ گذراندند و شهرها را با خاک یکسان کردند.»

فسارغ از داستان‌هایی که در تورات پیرامون قتل‌عام‌های «یشوع بن نون» ذکر شده است، عصام سخنینی با تکیه بر شخصیت یشوع، او را بارزترین و الهام‌بخش‌ترین شخصیت برای راهبران صهیونیسم می‌داند. بن‌گوریون، اولین نخست‌وزیر اسرائیل در جمله‌ای مشهور گفته است: «باید شخصیت یشوع بن نون در ساختار ارتش اسرائیل استعمار باید.» این عقیده اسطوره‌محور صرفاً در مسائل حاکمیتی و نظامی اسرائیل خلاصه نمی‌شود، بلکه طی دهه‌ها در نظام آموزشی ایشان نیز رخنه کرده است. جورج تمارین، استاد روان‌شناسی دانشگاه تل‌آویو به‌منظور اثرسنجی روایت‌های مربوط به نسل‌کشی‌های یشوع بر ذهنیت دانش‌آموزان دبیرستانی اسرائیلی، پیمایشی را با جامعه آماری ۱۰۰۰ نفر متشکل از دانش‌آموزان دختر و پسر در مدارس اسرائیل انجام داد. نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد از دانش‌آموزان اسرائیلی معتقدند کشتارهایی که یشوع در اریحا و مکیده انجام داده است، کاملاً صحیح بوده و هرگز اتفاق ناگواری تلقی نمی‌شود. همچنین ۳۸ درصد دانش‌آموزان معتقدند که امروزه نیز ارتش اسرائیل باید عیناً همان کشتارها را در همه شهرها و روستاهای فلسطین تکرار کند. علاوه بر اسطوره یشوع، نماد دیگری که بیشترین تأثیر را در ترویج ایده نسل‌کشی صهیونیست‌ها دارد، اسطوره عمالیق است که همواره بزرگان و قلم‌های صهیونیست‌ها جاری است. عمالیق، نمونه‌ای است از تفکر صهیونیست‌ها در تعامل با عرب‌های فلسطینی. البته اسطوره عمالیق از جهت سند توراتی با هر منبع تاریخی دیگری مورد تشکیک است و همین امر تعارضاتی را در ارجاع‌دهی سبب گشته است. عده‌ای دوره حیات ایشان را به زمان حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت می‌دهند و عده‌ای دیگر به زمان نوه ایشان «عیسو بن اسحاق» که گفته می‌شود عمالیق فرزند اوست.

قوم عمالیق که در شبه جزیره سینا و بخشی از سرزمین کنعان می‌زیستند، جنگ‌های بسیاری را با همسایران بنی اسرائیل به‌راه انداختند. این روند ادامه داشت تا اینکه در نهایت یهوه، موسی علیه‌السلام را به ریشه‌کن کردن این قوم امر کرد. پس از آنکه ساموئل به‌عنوان پیامبر خدا برگزیده شد، از جانب یهوه دستور آمد که هیچ جنبنده‌ای از عمالیق نباید زنده بماند. بدین ترتیب عمالیق به نمونه‌ای کلاسیک در معارضا به بنی اسرائیل تبدیل شد. جراد کرمز، استاد جرم‌شناسی دانشگاه «بار ایلان» اسرائیل معتقد است که عمالیق به‌عنوان شر مطلق در سنت‌های یهودی شناخته می‌شود. از همین رو، خاتم‌ها و حتی عوام لفظ عمالیق را در وصف مردمی به‌کار می‌برند که تهدیدی برای موجودیت اسرائیل به‌شمار می‌آیند. برخی از اسرائیلی‌ها برای توصیف شخصیت‌هایی چون حاج امین‌الحسینی (مفتی اسبق قدس)، جمال عبدالناصر، صدام حسین و حتی یاسر عرفات از واژه عمالیق بهره می‌برند. شایان توجه است که در ساختار حکومت جعلی صهیونیست‌ها سازمانی وجود دارد به‌نام «نظارت بر قاتل» که هدف از تأسیس آن زیرنظر داشتن مکان استقرار مبارزین فلسطینی و تحویل ایشان به دادگاه بوده است. شعار این سازمان بسی جالب توجه است: «عمالیق را به یاد داشته باش.»

به فرزندان او اسحاق و سپس یعقوب و فرزندان او (بنی اسرائیل) می‌رسد.» اگر تورات را به‌عنوان مرجعی دینی-تاریخی برای جنبش صهیونیسم در نظر بگیریم، استراتژی جنگی صهیونیست‌ها در مواجهه با سایر بلاد نیز برگرفته از آن است. در سفر تثنیه می‌خوانیم: «هنگامی که به قصد جنگ، آهنگ شهری کردی و نزدیک آن شدی، مردم آن دیوار را به صلح دعوت کن. اگر اجابت کردند و راه را بر تو گشودند، ایشان را جو بیاورد و دولت بی‌کفایت تو هستند. اما اگر شمشیر از نیام برگشیدند، بر تو باد محاصره کردن شان و قتل مردان‌شان. اما زنان، کودکان، چهارپایان و هراتچه در شهر است، غنیمتی است از دشمن که خود داد و به موجب این وعده، این سرزمین (عهد عتیق، فصل ۲۰، آیات ۱۰-۱۶)

دکتر رشاد الشامی، محقق کهنه‌کار مسائل حوزه عبری معتقد است: «نص تورات صرفاً بیانه‌ای است در دستان رهبران اسرائیل که با برچسب وحی و شریعت، اشغالگری اسرائیل در سرزمین فلسطین را مشروع جلوه دهند. بر همین اساس، هر جنایتی در سایه شریعت و قانون الهی رنگ دیگری به‌خود می‌گیرد، چراکه هدف تحقق وعده خداوند است. با گشت وگذار بیشتر در تورات، به سیفر یشوع می‌رسیم که طبق نص یهودیان هنگامه حمله به سرزمین کنعان (فلسطین امروز)، هیچ جنبنده‌ای

رنج‌های تاریخی مردم یهود و سختی‌هایی که در کشورهای مختلف متحمل شده‌اند. ۲. سرزمینی که در کتاب مقدس بدان وعده داده شده‌اند. ۳. بازگشت به سرزمین موعود که بسته به اراده‌ای ماورایی و رخداد آن قطعی است.

اما این روایت تنها در یک صورت به تکامل می‌رسید و آن تخلیه سرزمین موعود از ساکنانش بود. بر همین اساس، رهبران صهیونیست باید فلسطین را به سرزمینی خالی از سکنه تبدیل می‌کردند تا وعده موهوم محقق شود. هرترزل در خاطرات خود آورده است: «اولین گام، تخلیه سرزمین است که بر سرزمین فلسطین باید عملیات انجام می‌دهیم. اولین گام، تخلیه سرزمین است که بر سرزمین فلسطین باید عملیات انجام می‌دهیم. اولین گام، تخلیه سرزمین است که بر سرزمین فلسطین باید عملیات انجام می‌دهیم. اولین گام، تخلیه سرزمین است که بر سرزمین فلسطین باید عملیات انجام می‌دهیم.»

آرتور رابین، دیگر رهبر صهیونیست نیز پروژه‌ای مشابه طراحی کرد. او در سال ۱۹۱۴ استراتژی خویش را چنین بیان می‌کند: «اوم گام خرید زمین‌هایی در سرزمین کنعان می‌زیستند، جنگ‌های بسیاری را با همسایران بنی اسرائیل به‌راه انداختند. این روند ادامه داشت تا اینکه در نهایت یهوه، موسی علیه‌السلام را به ریشه‌کن کردن این قوم امر کرد. پس از آنکه ساموئل به‌عنوان پیامبر خدا برگزیده شد، از جانب یهوه دستور آمد که هیچ جنبنده‌ای از عمالیق نباید زنده بماند. بدین ترتیب عمالیق به نمونه‌ای کلاسیک در معارضا به بنی اسرائیل تبدیل شد. جراد کرمز، استاد جرم‌شناسی دانشگاه «بار ایلان» اسرائیل معتقد است که عمالیق به‌عنوان شر مطلق در سنت‌های یهودی شناخته می‌شود. از همین رو، خاتم‌ها و حتی عوام لفظ عمالیق را در وصف مردمی به‌کار می‌برند که تهدیدی برای موجودیت اسرائیل به‌شمار می‌آیند. برخی از اسرائیلی‌ها برای توصیف شخصیت‌هایی چون حاج امین‌الحسینی (مفتی اسبق قدس)، جمال عبدالناصر، صدام حسین و حتی یاسر عرفات از واژه عمالیق بهره می‌برند. شایان توجه است که در ساختار حکومت جعلی صهیونیست‌ها سازمانی وجود دارد به‌نام «نظارت بر قاتل» که هدف از تأسیس آن زیرنظر داشتن مکان استقرار مبارزین فلسطینی و تحویل ایشان به دادگاه بوده است. شعار این سازمان بسی جالب توجه است: «عمالیق را به یاد داشته باش.»

به فرزندان او اسحاق و سپس یعقوب و فرزندان او (بنی اسرائیل) می‌رسد.» اگر تورات را به‌عنوان مرجعی دینی-تاریخی برای جنبش صهیونیسم در نظر بگیریم، استراتژی جنگی صهیونیست‌ها در مواجهه با سایر بلاد نیز برگرفته از آن است. در سفر تثنیه می‌خوانیم: «هنگامی که به قصد جنگ، آهنگ شهری کردی و نزدیک آن شدی، مردم آن دیوار را به صلح دعوت کن. اگر اجابت کردند و راه را بر تو گشودند، ایشان را جو بیاورد و دولت بی‌کفایت تو هستند. اما اگر شمشیر از نیام برگشیدند، بر تو باد محاصره کردن شان و قتل مردان‌شان. اما زنان، کودکان، چهارپایان و هراتچه در شهر است، غنیمتی است از دشمن که خود داد و به موجب این وعده، این سرزمین (عهد عتیق، فصل ۲۰، آیات ۱۰-۱۶)

دکتر رشاد الشامی، محقق کهنه‌کار مسائل حوزه عبری معتقد است: «نص تورات صرفاً بیانه‌ای است در دستان رهبران اسرائیل که با برچسب وحی و شریعت، اشغالگری اسرائیل در سرزمین فلسطین را مشروع جلوه دهند. بر همین اساس، هر جنایتی در سایه شریعت و قانون الهی رنگ دیگری به‌خود می‌گیرد، چراکه هدف تحقق وعده خداوند است. با گشت وگذار بیشتر در تورات، به سیفر یشوع می‌رسیم که طبق نص یهودیان هنگامه حمله به سرزمین کنعان (فلسطین امروز)، هیچ جنبنده‌ای

رنج‌های تاریخی مردم یهود و سختی‌هایی که در کشورهای مختلف متحمل شده‌اند. ۲. سرزمینی که در کتاب مقدس بدان وعده داده شده‌اند. ۳. بازگشت به سرزمین موعود که بسته به اراده‌ای ماورایی و رخداد آن قطعی است.

اما این روایت تنها در یک صورت به تکامل می‌رسید و آن تخلیه سرزمین موعود از ساکنانش بود. بر همین اساس، رهبران صهیونیست باید فلسطین را به سرزمینی خالی از سکنه تبدیل می‌کردند تا وعده موهوم محقق شود. هرترزل در خاطرات خود آورده است: «اولین گام، تخلیه سرزمین است که بر سرزمین فلسطین باید عملیات انجام می‌دهیم. اولین گام، تخلیه سرزمین است که بر سرزمین فلسطین باید عملیات انجام می‌دهیم. اولین گام، تخلیه سرزمین است که بر سرزمین فلسطین باید عملیات انجام می‌دهیم. اولین گام، تخلیه سرزمین است که بر سرزمین فلسطین باید عملیات انجام می‌دهیم.»

آرتور رابین، دیگر رهبر صهیونیست نیز پروژه‌ای مشابه طراحی کرد. او در سال ۱۹۱۴ استراتژی خویش را چنین بیان می‌کند: «اوم گام خرید زمین‌هایی در سرزمین کنعان می‌زیستند، جنگ‌های بسیاری را با همسایران بنی اسرائیل به‌راه انداختند. این روند ادامه داشت تا اینکه در نهایت یهوه، موسی علیه‌السلام را به ریشه‌کن کردن این قوم امر کرد. پس از آنکه ساموئل به‌عنوان پیامبر خدا برگزیده شد، از جانب یهوه دستور آمد که هیچ جنبنده‌ای از عمالیق نباید زنده بماند. بدین ترتیب عمالیق به نمونه‌ای کلاسیک در معارضا به بنی اسرائیل تبدیل شد. جراد کرمز، استاد جرم‌شناسی دانشگاه «بار ایلان» اسرائیل معتقد است که عمالیق به‌عنوان شر مطلق در سنت‌های یهودی شناخته می‌شود. از همین رو، خاتم‌ها و حتی عوام لفظ عمالیق را در وصف مردمی به‌کار می‌برند که تهدیدی برای موجودیت اسرائیل به‌شمار می‌آیند. برخی از اسرائیلی‌ها برای توصیف شخصیت‌هایی چون حاج امین‌الحسینی (مفتی اسبق قدس)، جمال عبدالناصر، صدام حسین و حتی یاسر عرفات از واژه عمالیق بهره می‌برند. شایان توجه است که در ساختار حکومت جعلی صهیونیست‌ها سازمانی وجود دارد به‌نام «نظارت بر قاتل» که هدف از تأسیس آن زیرنظر داشتن مکان استقرار مبارزین فلسطینی و تحویل ایشان به دادگاه بوده است. شعار این سازمان بسی جالب توجه است: «عمالیق را به یاد داشته باش.»

به فرزندان او اسحاق و سپس یعقوب و فرزندان او (بنی اسرائیل) می‌رسد.» اگر تورات را به‌عنوان مرجعی دینی-تاریخی برای جنبش صهیونیسم در نظر بگیریم، استراتژی جنگی صهیونیست‌ها در مواجهه با سایر بلاد نیز برگرفته از آن است. در سفر تثنیه می‌خوانیم: «هنگامی که به قصد جنگ، آهنگ شهری کردی و نزدیک آن شدی، مردم آن دیوار را به صلح دعوت کن. اگر اجابت کردند و راه را بر تو گشودند، ایشان را جو بیاورد و دولت بی‌کفایت تو هستند. اما اگر شمشیر از نیام برگشیدند، بر تو باد محاصره کردن شان و قتل مردان‌شان. اما زنان، کودکان، چهارپایان و هراتچه در شهر است، غنیمتی است از دشمن که خود داد و به موجب این وعده، این سرزمین (عهد عتیق، فصل ۲۰، آیات ۱۰-۱۶)

تخریب شده در جریان النکبه نشان می‌دهد ۴۸ روستا در معرض تخریب قرار گرفتند که این تعداد چیزی حدود نیمی از روستاهای فلسطینی را شامل می‌شود. نتایج پژوهش خالدی بیانگر آن است که ارتش اسرائیل ۲۹۲ روستا را با خاک یکسان کرد، به‌گونه‌ای که اکثری از هیچ‌خانه‌ای در آن نماند. ۹۰ روستا را در خرابه میدل ساخت، ۷ روستا را غصب کرد و تنها ۸ روستا از جرتقیل‌ها و تانک‌های اسرائیلی جان سالم به‌در بردند. انواع دوم حوادثی که به‌وقوع پیوست، در نوع خود بی‌نظیر است. گروه نظامی‌هاگانا وحشیانه‌ترین جنایات را در حق مردم فلسطین روا داشتند و دست به کشتارهای دسته‌جمعی فجیعی زدند. «رویه بنسحاقی» مورخ نظامی اسرائیلی می‌گوید: «ارتش اسرائیل طی ۱۹۴۸ تا ۱۹۴۹، مرتکب ۱۲۰ قتل عام در مناطق مختلف فلسطین شد که در هرکدام بیش از ۵۰ نفر قربانی شدند.»

## دورخداد درهم تنیده

کتاب‌های تاریخی مملو از جزئیات جنایات اسرائیلی‌ها در فلسطین هستند که اشاره به آنها از حوصله متن خارج است. اما بسیاری از منابع بر سر اختلاف فاحش آمارهای پتسحاقی با واقعیت جنایات اسرائیل اتفاق نظر دارند. برای مثال دایرة المعارف فلسطین تعداد شهدای فلسطینی قتل عام «دیز یاسین» در آوریل ۱۹۴۸ را ۲۵۰ نفر ذکر کرد؛ اما اغلب ایشان از کهنسالان، زنان و کودکان هستند. مشابه این جنایت را در طنطوره شاهد هستیم، جایی که اسرائیلی‌ها پس از جداسازی مردها از زنان و کودکان، ۹۵ نفر از ایشان را تیرباران کردند؛ آن هم فقط با این توجیه که این مردان از مکان اختفای اسلحه‌های شورشیان مطلع‌اند و حرفی نمی‌زنند. ده‌ها بلکه صدها روستای فلسطینی طعم این قبیل جنایات را چشیدند. با این حال، پتسحاقی خود متعرف است به اینکه اغلب روستاهای فلسطین به‌نوعی شاهد کشتارهای دسته‌جمعی یا قتل عام بوده‌اند. اوری میلشتاین، مورخ اسرائیلی دیگری است که معتقد است: «هیچ درگیری‌ای در ۱۹۴۸ شکل نگرفت مگر آنکه به یک کشتار عظیم و هولناک ختم شد. شایان توجه است که بسیاری از این جنایات در حالی رقم خورد که روستائیان فلسطینی پرچم سفید را به نشانه تسلیم برافراشته بودند. حتی گفته می‌شود برخی روستائیان برای تمان ماندن از شر صهیونیست‌ها، با آب و غذا به استقبال سربازان می‌رفتند اما غافل از اینکه قوت بازوی قاتلین خود را تأمین می‌کنند.

در نتیجه در همین موارد، نخستین جنگ عرب‌ها و صهیونیست‌ها به‌تنهایی چیزی حدود ۷۵۰ هزار فلسطینی را بی‌خانمان کرد تا سرزوشت این سرزمین همانی شود که هرترزل داستان‌سرای‌اش را می‌کرد: «سرزمینی بدون مردم برای مردمانی بدون سرزمین.» عصام سخنینی این نقطه را پایان کار نمی‌داند و ساخت شهرک‌های اسرائیلی در طول خط آتش‌بس را از طرفی و همچنین دستور رهبران صهیونیست برای کشتار تمامی کسانی که به خود جرأت عبور از مرزها را می‌دهند از طرفی دیگر، به‌عنوان فصل جدیدی از نسل‌کشی فلسطینیان تلقی می‌کند. البته را می‌توان تجلی تام نسل‌کشی دانست؛ تخریب مکان‌ها و نابودی یک مرحله‌ای حدود نیمی از روستاهای فلسطین، کشتار حدود ۱۳ هزار نفر، از هم گس‌لاندن بافتار اجتماعی، یا پاک کردن نام فلسطین از نقشه‌ها، از بین بردن هرگونه امکان تأسیس حاکمیت سیاسی فلسطینی و کوچاندن فرزندان این سرزمین و ممانعت از بازگشت‌شان. النکبه به‌نوعی تجلی توسعه اسطوره عمالیق به وحشیانه‌ترین و منجرکننده‌ترین شکل ممکن بود؛ عمالیق که نابودی‌شان به دست مردمان برگزیده خدا ناگزیر بوده، هست و خواهد بود.



عکس: CNN ● عزه بیت حانون - قبل



عکس: CNN ● الطارح - بعد



عکس: CNN ● الطارح - قبل